

واکاوی اثر تغییرات کالبدی بافت تاریخی بر حافظه تاریخی شهروندان مطالعه موردی: محور پانزده خرداد تهران*

غزاله گودرزی - دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران
مصطفی بهزادفر^۱ - استاد شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران
یوسفعلی زیاری - دانشیاری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۲

چکیده

با پیدایش روانشناسی محیطی تغییرات علمی و عملی مهمی در محیط کالبدی زندگی انسان پدید آمد و طراحی شهری مبنی بر پارادایم فضا - زمان مورد توجه قرار گرفت. تحولات فضایی در شهرها با گذشت زمان غیرقابل اجتناب است و این امر باعث دگرگونی‌های عمده در ساختار فضایی شهرها می‌شود که باعث تغییر در فضا و زمان موجود می‌شود. توسعه کالبدی در بافت‌های قدیمی و تاریخی شهر به علت فرسودگی‌های کالبدی، بیشتر از سایر نقاط شهر مورد مداخله شهرسازان قرار می‌گیرد و این مداخلات گاهی باعث می‌شود بافت تاریخی که زمانی سرزنده‌ترین بخش شهر بوده است، اکنون مورد استقبال عمومی قرار نگیرد. توسعه و تغییرات کالبدی در محور تاریخی ۱۵ خرداد، باعث ناسازگاری کالبد با هویت تاریخی بافت شده و این مسئله کاهش کیفیت محیطی مکان‌های تاریخی را به همراه داشته است. این مقاله باهدف واکاوی اثر تغییرات کالبدی بافت تاریخی بر حافظه تاریخی شهروندان، از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ گردآوری داده‌ها توصیفی می‌باشد؛ که به شکل میدانی صورت گرفته است و در ادامه تدوین مدل مفهومی، بستر مطالعات میدانی دقیق‌تر را فراهم کرده و سپس با کمک مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) به بررسی رابطه بین متغیرها پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، تغییرات کالبدی - ذهنی با وزن ۰/۹۶ بیشترین اثرگذاری و تغییرات کالبدی - عینی با وزن ۰/۸۲ کمترین اثرگذاری را بر حافظه تاریخی شهروندان دارد. تغییرات کالبدی در محور تاریخی ۱۵ خرداد به علت فرسودگی بناها و محورها اغلب تهاجمی و تخریبی بوده است و لزوم توجه به برنامه‌ریزی و طراحی محیطی مناسب جهت حفظ حافظه تاریخی شهروندان را می‌طلبد؛ که اگر این تغییرات همراه با تداوم باشد، باعث تعادل بخشی خواهد شد و چنانچه سرعتی و مقطعی و بدون توجه به هماهنگی بین عینیت کالبدی با ذهنیت شهروندان صورت گیرد، باعث حذف هویت و خاطرات از حافظه جمعی می‌شود.

واژگان کلیدی: تغییرات کالبدی، حافظه تاریخی شهروندان، بافت تاریخی، محور ۱۵ خرداد.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری خانم غزاله گودرزی در رشته شهرسازی به راهنمایی نویسندگان دوم مشاوره نویسنده سوم در دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال می‌باشد.

مقدمه

شهر پدیده‌ای است مکانی - زمانی که در نقطه‌ای خاص ایجاد شده، در فضا تکامل یافته و باگذشت زمان، رشد یافته است (منتظری و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۰). باگذشت زمان مؤلفه‌های مختلف در شهر با تغییر مواجه می‌شوند و رشد و تحولات فضایی - کالبدی در آن‌ها اجتناب‌ناپذیر است. از دیگر سوی، بافت مرکزی شهر اغلب هسته اصلی و تشکیل‌دهنده شهر بوده و بافت قدیمی و تاریخی شهر را تشکیل می‌دهد. یکی از مشکلات بافت تاریخی، ناپایداری کالبدی است که باعث می‌شود مدیریت شهری برای رفع این مشکل دست به توسعه و تغییرات کالبدی بزند. تغییرات کالبدی در شهر باید با حفظ هویت و اصالت بافت‌های شهری انجام شود و این مهم، در بافت‌های تاریخی و قدیمی شهر باید بیشتر مورد توجه قرار بگیرد. در واقع خلق فضایی متناسب با تصویر ذهنی شهروندان ضمن حفظ بافت‌های تاریخی هماهنگ با خاطرات جمعی و هویت شهروندان، هدف اصلی از تغییرات کالبدی باشد. اما در واقع، تغییرات کالبدی ضمن این که باعث تغییر در ساختار شهرها می‌شوند، بخشی از حافظه تاریخی شهروندان را نیز دست‌خوش تغییرات قرار می‌دهند. اهمیت و ضرورت حفظ بافت تاریخی به‌عنوان بخش نمادین و هویت‌ساز شهر و به جهت شناخت سیر تحول و تکامل تاریخ شهر، حفظ هویت و اصالت شهر، بیان سرگذشت و دوره‌های گذشته بر حیات شهری همواره مدنظر بوده است. در واقع، نمی‌توان بدون توجه و اشراف کافی به فرایندهای درک و فهم محیط از سوی مردم و سازوکارهای مرتبط با آن‌ها، مبادرت به مداخله در محیط کرد (کریمی یزدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷) زیرا که ساکنان همواره به ارزیابی تغییراتی می‌پردازند که اغلب نقشی نیز در آن‌ها نداشته‌اند و وجه بیرونی این ارزیابی را اغلب مقایسه با جریان‌ات بیرونی و مکان‌های مشابه شکل می‌دهد (Nasar, 1994: 45)؛ لذا حفظ حافظه تاریخی شهروندان در این تغییرات بسیار حائز اهمیت است. مطالعات متعددی در ارتباط با حافظه تاریخی و بافت تاریخی شهر انجام شده است به‌عنوان مثال؛ سلطانی (۱۳۹۷) به تغییر و تحولات شهری می‌پردازد و اهمیت توجه به بعد تاریخی مکان‌های شهری را مورد مطالعه قرار می‌دهد و بیان می‌کند هم‌افزایی ناشی از هماهنگی ضرب‌آهنگ رفتارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... به تجلی فضاهای جمعی چند جهی و باز در زندگی اجتماعی منجر می‌شود (سلطانی، ۱۳۹۷: ۴۷). حسنی میان‌رودی و همکاران (۱۳۹۶) در پی کشف مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری حس خاطره جمعی شهری و ارائه الگوی مفهومی نشانه‌شناسی مستتر در فضاهای شهری در راستای بازیابی خاطره‌انگیزی فضاهای شهری است به کاهش میزان خاطره‌انگیزی میدان حسن‌آباد تهران در سال‌های اخیر اشاره می‌کند و توجه به الگوهای نشانه‌شناختی را جهت بازیابی خاطره‌انگیزی میدان پیشنهاد می‌دهند (حسنی میان‌رودی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷). پندار و ذکاوت (۱۳۹۵) در تحقیق خود با ارائه چارچوب مفهومی برای فهم فرایند تجربه، ادراک و ارزیابی ساکنان از تغییرات کالبدی در سرعت‌های مختلف بر اساس معیار رضایتمندی، وجود رابطه معناداری را بین ارزیابی ساکنین از تغییرات و سرعت تغییرات تأیید می‌کنند و به لزوم توجه به حفظ حافظه تاریخی شهروندان تأکید می‌کنند (پندار و ذکاوت، ۱۳۹۵: ۱۵). عبدالرحمن و راندا (۲۰۱۶)، به تحلیل فضای شهری تاریخی مصر می‌پردازد و تأثیر انقلاب‌های شهری را بر حافظه تاریخی شهروندان مورد بررسی قرار می‌دهند (Abd Elrahman & Randa, 2016: 1106). مک کارتی (۲۰۱۲) به بررسی نقش حافظه از بین رفته جمعی در بناهای مذهبی می‌پردازد و بر لزوم توجه به بحث حافظه تاریخی جمعی در تجزیه و تحلیل فرآیندهای منظر شهری تأکید می‌کند (McCarthy, 2012: 22). مقاله پیش رو باهدف تحلیل تغییرات کالبدی در محور تاریخی ۱۵ خرداد بازار تهران، با شناسایی عوامل مؤثر بر تغییرات کالبدی به بررسی دگرگونی ساختار کالبدی - فضایی محور ۱۵ خرداد پرداخته و سؤال " اثر تغییرات کالبدی بافت تاریخی بر حافظه تاریخی شهروندان چگونه است؟"، روند پژوهش را به جریان می‌اندازد. فقدان چارچوب نظری مناسب در فهم حافظه تاریخی شهروندان از تغییرات کالبدی در تحلیل‌ها و ناکارآمدی ابزار کمی سنجش را می‌توان از خلأهای نظری مرتبط با موضوع دانست، بدین منظور پس از بیان پیشینه پژوهش و در نظر گرفتن مدل

مفهومی برای متغیرهای مطروحه، با در نظر گرفتن اثرات تغییرات کالبدی به بررسی تغییرات محور ۱۵ خرداد پرداخته شده است.

مبانی نظری

تغییرات کالبدی به مجموعه تغییراتی که بر کالبد و فرم و شکل یک بنا، یک محور، یک بافت و ... در طی زمان‌های مختلف اجرا یا تحمیل می‌شود گفته می‌شود. مطالعات کالبدی در طراحی شهری توجه ویژه‌ای بر تغییرات کالبدی در طول زمان داشته و منجر به ارائه نظریات مختلف طراحی به‌ویژه در ابعاد کالبدی گردیده است. مطالعه ساختار کنونی بافت شهری به‌واسطه بررسی لایه‌های توسعه تاریخی از تلاش‌های ام.آر.جی کانزن (۱۹۶۰) شکل گرفت، از دید کانزن منظر شهری یک پالیمپست از جامعه و فرهنگ است که صورت‌های بعضی دوره‌های زمانی معین در آن برجسته‌ترند و صورت‌های دوره‌های دیگر در طول زمان محو شده‌اند (Conzen, 1960:4). ماکس بیان می‌کند، در هر شهری می‌توان بدنه اصلی یافت که ساخت اصلی شهر بر اساس آن شکل گرفته است و سایر قسمت‌های شهر، ساخت فرعی را شکل می‌دهند. از دیدگاه او، شهر موجودی زنده است، بنابراین باید در طول زمان تغییر کند، از این رو می‌توان ساختاری ثابت را در شهر تعریف کرد که بخش‌های پراکنده متغیر باشد (همدانی گلشن، ۱۳۹۵:۱۴۶). لینچ معتقد است شکل مجتمع زیستی، به مفهوم الگوی فضایی عناصر کالبدی بزرگ، بی‌حرکت و دائمی در شهر، نظیر ساختمان‌ها، خیابان‌ها، تجهیزات، تپه‌ها، رودخانه‌ها و شاید هم درختان می‌باشد. وی البته، توزیع فضایی افرادی که مشغول انجام فعالیت هستند، جریان‌های فضایی حاصله از حرکت افراد، کالاها و اطلاعات و خصوصیات کالبدی را نیز به این تعریف ضمیمه می‌کند (لینچ، ۱۳۷۶:۸۲). محققینی همچون راپاپورت، پروشانسکی، ریجر، لاورکاس با پژوهش‌های خود بر نقش عوامل کالبدی تأکید کرده اما اشاره داشته‌اند که آنچه محیط کالبدی را به‌عنوان بستر ارتباطی غیر کلامی بیان می‌کند در اصل، نمادها و سمبل‌های محیطی مشترک اجتماعی از یک سو و از سوی دیگر قابلیت محیطی در تأمین و گسترش این بعد از نیازهای انسانی است (منصوری و جهان‌بخش، ۱۳۹۲:۹۱). لوئیکا (۲۰۱۱) بیان می‌کند میزان حس تعلق مکانی با مدت اقامت و سن افراد رابطه مستقیم دارد و هر مقدار فرد حس تعلق بیشتری نسبت به یک مکان داشته باشد ارزیابی مثبتی از مکان دارد (Lewika, 2011:679).

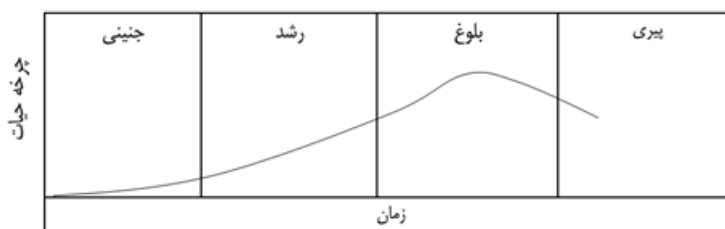
جدول شماره ۱. نظریات مرتبط با مؤلفه کالبدی در شهرسازی

نظریه‌پرداز	سال	کتاب / نظریه	توضیحات
روسی	۱۹۶۶	معماری شهری	توجه به جنبه‌های کالبدی و عرصه عمومی شهر، هویت اجتماعی
لینچ	۱۹۸۴	شکل شهر	معنای مکان، ناشی از رابطه عناصر کالبدی فضا و الگوهای ذهنی است
مدنی پور	۱۹۹۲	طراحی فضای شهری؛ تحقیقی درباره پروسه اجتماعی- فضایی	- فضای شهری دربرگیرنده محیط کالبدی، فعالیت‌ها، رویدادها و روابط میان آن‌ها است - فضای عمومی، پیونددهنده انسان‌ها با هم در طول زمان و تداوم از طریق پیوند دوره‌های تاریخی به هم است.
لنگ	۱۹۹۴	نیازهای انسان	فضای شهری، فضای بین ساختمان‌ها و نیز قسمت‌های از فضای داخلی ساختمان‌ها است و به دو عرصه، عرصه عمومی کالبدی و عرصه عمومی تصمیم‌گیری تقسیم می‌شود.
کرمونا	۱۹۹۷	مکان‌های عمومی و فضاهای شهری	عرصه عمومی شامل دو بعد کالبدی و فرهنگی- اجتماعی است توجه به حس مکان، خاطره اجتماعی، روح زمان و چرخه‌های زمانی دارد و بیان می‌کند، گذشت زمان، فضا را تبدیل به مکان می‌کند و تغییرات کالبدی موجب تغییر تاریخ می‌شود.

با توجه به اثراتی که تغییرات کالبدی بر حافظه تاریخی شهروندان بر جای می‌گذارند، در ادامه مقاله، این تغییرات از سه منظر موردبحث و بررسی قرار می‌گیرد:

تغییرات کالبدی - عینی

در دید عینی به تغییرات کالبدی، طرح‌ها و پروژه‌های کوچک و بزرگ شهری و سیاست‌گذاری‌های محیطی طی زمان تغییرات عینی کالبدی را برای محیط رقم می‌زند. در واقع تغییرات کالبدی تدریجی را می‌توان چرخه‌هایی اغلب تکرارشونده دانست که علاوه بر ایجاد تغییر در فضای شهری، تغییر در ذهن مخاطبان نیز دارد. تحلیل تحول در بافت‌های مسکونی نیازمند فهم تجربه ساکنان و فرآیند ارزیابی مستمر آن‌ها از تغییرات در طول زمان می‌باشد. در این فرآیند شناسایی بستر تاریخی و حیاتی اولیه به دلیل شکل‌گیری تدریجی الگوهای مرجع و حساسیت به شرایط اولیه اهمیت ویژه‌ای دارد. (Pollock, 2013: 23). تغییرات کالبدی دارای چرخه‌ها و دوره‌های تکرار هستند و می‌توانند در یک فضای شهری هم‌زمان چرخه‌های مختلف تغییرات در جریان باشد. این تغییرات با سرعت‌های مختلف و در زمان‌های مختلف شامل بافت و فضای شهری می‌شود و ساکنان به‌طور ناخواسته با این چرخه‌ها و دوره‌ها همراه می‌شوند و آن‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. دیدگاه چرخه حیات شهری به فرآیند رشد و نمو یک موجود زنده از مرحله تولد تا مرگ یا شروع دوران جدیدی از زندگی اطلاق می‌شود. بر این اساس، موجود زنده متولد شده رشد می‌کند، به مرحله بلوغ می‌رسد و پس از گذران دوره کهن‌سالی با مرگ از بین می‌رود یا با تغییر حالت، دوره جدیدی از حیات خود را آغاز می‌کند. در طی تاریخ، انسان‌ها به‌طور تجربی با این روند آشنا بوده‌اند و به‌طور عینی آن را درک کرده‌اند (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۱).



شکل شماره ۱. چرخه حیات (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۰)

تغییرات کالبدی - ذهنی

زمان در ذهن آدمی کارکردی دوگانه دارد، از طرفی انسان را با تغییرات و تکرارهای محیط منطبق نموده و از طرفی نقش هم‌زمان‌سازی رفتار، حالات، اعمال و واکنش‌ها را بر عهده دارد. گذر زمان باعث به وجود آمدن تغییرات در ذهن آدمی شده و محیط‌های آشنا را تبدیل به محیط‌های غریبه و نامأنوس می‌کند. حس زمان یک ادراک درونی از زمان است. این ادراک به عوامل متنوعی مانند تغییرات، رویدادها، وقایع، طول مدت‌زمان، گذشت زمان، گذشته، حال، آینده و ... مرتبط است. در واقع همان‌طور که ما پدیده‌ها و رویدادها را درک می‌کنیم، زمان وقوع آن‌ها را نیز حس می‌کنیم. رویدادها بستر خاطره‌سازی در زمان هستند به‌نحوی که گاهی زمان فاصله بین دو رویداد معنا می‌شود. گیبسون (۱۹۸۶) بیان می‌کند، هرچند که حوادث درک شده است، اما در زمان خودشان نبوده‌اند. بر این اساس، زمان در نتیجه تجزیه روابط، مانند مقایسه در میان رویدادها و در نتیجه یک پیشرفت فکری ایجاد می‌شود. بنابراین، زمان خلاصه‌ای است بر اساس اینکه تجربه زمانی مستقیماً درک نمی‌شود (Ghorbanian, 2017). رویدادها به‌وسیله ساکنین ارزیابی می‌شوند و پس از ارزیابی برای آن تصمیم گرفته می‌شود. در این باب نظریه‌های متعددی در ارتباط با ارزیابی ساکنان از تجربه تغییرات ارائه شده است. نظریه‌های ارزیابی عاطفی از مکان و سطح انطباق دو نظریه مهم در این موضوع هستند. از نظر راشل و همکارانش افراد هنگامی که محیطی را ادراک می‌کنند، آن را بیش از ویژگی‌های فیزیکی‌اش ارزیابی می‌کنند، این‌که چقدر دلگیر، جذاب یا آرامش‌بخش است. این نوع قضاوت که می‌توان آن را ارزیابی عاطفی نامید قضاوتی است درباره

توانایی مدام برای تغییر و دگرگون کردن احساسات عاطفی (Russell & Ulrich, 1984:291). در این راستا کوین لینچ نیز به بررسی تأثیر فعالیت‌های مؤثر و خواسته‌های درونی بر تصویر ذهنی از حس زمان می‌پردازد. به اعتقاد وی احساس روشن از زمان حاضر با اتصال به گذشته و آینده، حساسیت به تغییرات و قابلیت مدیریت و لذت از آن ارتباط دارد (سوری و همکاران، ۱۳۹۲:۷۹). همچنین لینچ (۱۹۶۰)، آگاهی حرکت و سری زمانی^۲ را به‌عنوان عواملی که در بهبود ادراکات محیط شهری کمک می‌کنند، معرفی کرد. به گفته لینچ، این ویژگی‌ها به ناظران کمک می‌کند جهت و فاصله حرکت خود را مشخص کنند، که در آن فرم‌ها برای آن‌ها معقول هستند.

تغییرات کالبدی - حسی

همان‌طور که بیان شد، یکی از عناصر اصلی مطرح در بعد زمان از دیدگاه طراحی شهری، ادراک و شناسایی عناصری است که در طول زمان تغییر می‌کند و از سوی دیگر، عناصری که ثابت می‌مانند. ادراک و فهم مکان‌های شهری با جنبه‌های مستقیم بصری فرد در ارتباط است و با فرآیندهای ذاتی زندگی فرد و مداخلات او در عرصه جامعه‌اش پیوند می‌خورد و این فرآیند ادراک بر احساسات مثبت یا منفی او اثر می‌گذارد و می‌تواند سلامت ذهنی و جسمی او را تحت تأثیر قرار دهد. تا جایی که سلامت یک مکان شامل نتایج فیزیکی، روانی، اجتماعی، معنوی، و زیبایی‌شناسی می‌تواند بر حس مکانی که فرد از آن محیط دریافت می‌کند اثر بگذارد، از سویی سلامت روحی و روانی خود فرد نیز می‌تواند بر برداشت و ادراک فرد از محیط تأثیرگذار باشد. ساختارهای ذهنی جامعه متأثر از مکان‌هایی است که هر روزه افراد با آن در تامل هستند و نوع نگرش به فضا نیز تحت تأثیر این ساختارهای ذهنی شکل خواهند گرفت و در نهایت ساختارهای فضایی در داخل شهرها پدید می‌آید. هنگامی که فردی در مکانی قرار می‌گیرد، ابتدا مکان، به‌عنوان یک ساختار فرهنگی که در آن احساس ما از مکان و خاطرات دیده می‌شود، در نظر گرفته می‌شود و سپس مورد ارزیابی و گزینش فرد قرار می‌گیرد و پس از گذراندن این مرحله، فرد تصمیم می‌گیرد که از مکان موردنظر استفاده کند یا استفاده خود را محدود کند و یا برای همیشه از آن مکان دوری گزیند. در این فرآیند، ظاهراً فرد ابتدا مکان را می‌بیند، اما ذهن ساعت‌ها و حتی روزها به تفسیر و ارزش‌گذاری آن مکان با دلایل ذهنی و نامشهودی حسی که دارد می‌پردازد.

حافظه تاریخی

تاریخ در لغتنامه دهخدا به معنای مدت معین، سابقه و پیشینه معنا شده است. تاریخ حامل احوالات و ایام گذشته بر یک مکان است در واقع تاریخ رد زمان بر مکان است. آنچه عادی و معمولی و روزمره و تکراری است در یاد و خاطره نمی‌ماند، اما گاهی حوادثی در زمان اتفاق می‌افتد که نه تنها در خاطره‌ها باقی می‌ماند که اثر آن چنان تعیین‌کننده است که وقایع دیگر نیز به اعتبار آن شناخته می‌شوند و چه بسا راه و رسم زندگی و فرهنگ و تمدن و علم و اخلاق قومی را تعیین می‌کنند. با آن حادثه زمان تعیین می‌یابد و دوره‌ای از دوره‌های دیگر متمایز می‌شود. چنین حادثه‌ای مبدأ تاریخ می‌گردد (صافیان، ۱۳۹۱:۶۲). زمان مجموعه رخدادهاست که به‌صورت تاریخی شکل می‌گیرند و مفاهیمی را منتقل می‌کنند. زمان بستر ساز هویت تاریخی است و هر تغییر کالبدی باید در امتداد تاریخی آن بافت باشد. رویدادهای تاریخی که در حافظه تاریخی شهر ثبت شده است در فضاهای و مکان‌های شهری و جمعی رخ داده است. در واقع حافظه تاریخی به معنای خاطره دار بودن شهر است. از این رو فضاهای جمعی واجد نظم زمانی هستند. این نظم از منظر سرعت تعداد وقایع در یک‌زمان واحد و نظم توزیع فعالیت‌ها در طول زمان قابل بررسی است (سلطانی، ۱۳۹۷:۵۱). خاطرات برای شکل‌گیری

1 . Motion awareness

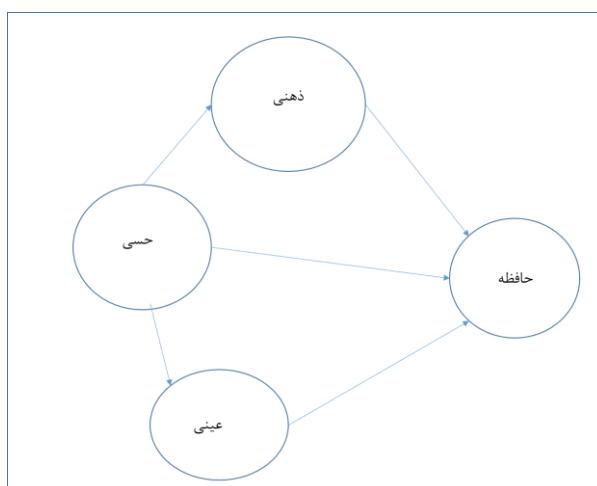
2 . Time series

نیازمند یک مرجع زمانی هستند، گذشت زمان و سیر تطور تاریخی عامل مهمی در به یاد آوردن وقایع و رویدادها است. همچنین از آنجاکه خاطرات جمعی مانند حافظه تاریخی یک ملت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند در نتیجه سابقه و زمان سکونت در یک شهر، عامل تقویت خاطرات جمعی است (Lewika, 2011: 681). حافظه تاریخی را باید شکلی از انباشت حافظه جمعی در محور زمانی به حساب آورد. انباشت حافظه، از خلال مجموعه پیچیده‌ای از برداشت‌های حسی قابل تبیین است، به صورتی که در آن می‌توان شمار بزرگی از تصاویر، صداها، بوها، مزه‌ها، تجربه‌های بساوایی، تأثر، غم‌ها و شادی‌ها، حسرت‌ها و غربت‌ها و... را گردآورد. این تعاریف نشان از آن دارد، عامل زمان و تاریخ در کالبد و فعالیت‌های یک فضا مؤثر بوده و می‌تواند در ایجاد فضای شهری دخیل شده باشد. بنابراین می‌توان گفت در این تعاریف مفهومی همچون معنا نهفته است. معنایی که حاصل استمرار فعالیت‌ها و گذشت زمان بر ساختار کالبدی فضاست (ناظمی، ۱۳۹۵: ۴۰). تحقق یک فضای معنادار، هم محصول ساختارهای فیزیکی و ادراکات ذهنی مخاطبان و هم محصول اعمال (رفتار) و کنش‌های آگاهانه و ناآگاهانه بهره‌برداران در فضاست (سجاد زاده و اریس، ۱۳۹۶: ۲۷۵). حفظ ابنیه تاریخی، حفظ سبک معماری متناسب با زمان و حفظ هویت کالبدی هر محله در حفظ حافظه جمعی و تاریخی اثرگذار است. افرادی مانند وایتهند و جک نسر زمینه را برای توجه به حفاظت از هویت کالبدی که به تدریج در ذهن ساکنان شکل گرفته، آشکار ساخته‌اند. حال آنکه پژوهش‌های اندکی در ارتباط با ادراک تغییر و پاسخ به آن در شهرها وجود دارد. پروشانسکی هویت فردی را منبعث از هویت مکانی و این هویت را نشاء گرفته از ادراک، شناخت و نهایتاً احساسات نسبت به مکان می‌داند. وی با تأکید بر هویت مکان به‌عنوان بستر و عامل ارتباطی مهم در ارتباط انسان، بر نقش عوامل کالبدی به‌عنوان بخشی از عناصر اجتماعی در محیط تأکید می‌کند و بر این اساس عامل مهم تعامل و ارتباط تنگاتنگ فرد با محیط خود را به عناصر کالبدی محیط به‌عنوان بخشی از هویت ذهنی و فردی ارجاع می‌دهد (proshansky. 1983: 65).

اثر تغییرات کالبدی بر حافظه تاریخی

فضاهای شهری، به‌عنوان بستری که در ذهن فرد تولید معنا می‌کنند؛ در گذر زمان تغییرات زیادی داشته‌اند و اغلب تغییرات آن هماهنگ و همگام با زمان نبوده است. فضاهای شهری بیوگرافی تغییرات شهری هستند و یکی از عناصر اصلی مطرح در بعد زمان از دیدگاه طراحی شهری هستند. شهرها به تدریج تغییر شکل می‌دهند، ساختمان‌های جدید ساخته می‌شوند و ساختمان‌های قدیمی را خراب می‌کنند یا تغییر شکل می‌دهند. محیط‌های شهری نیز به‌طور مداوم و بی‌وقفه در حال تغییر هستند و اغلب همراه با تغییرات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و فنی دچار تغییر می‌شوند. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند هر نوع ساختمان یا هر عنصر مصنوع در محیط‌های شهری متعلق به گونه، دوره و زمانی مشخص است و در واقع بیانگر روح زمان خود است (Carmona, 2006: 128). اگر شهری فاقد حافظه تاریخی باشد نمی‌توان گفت داری هویت است. هنگامی که فرد در شهر نشانی از گذشته و تاریخ خود نبیند، موقعیت مکانی و زمانی خود را تشخیص نمی‌دهد و ممکن است آگاهی خود را نسبت به شرایط فعلی که در آن زندگی می‌کند نیز از دست بدهد و تفسیر آنچه می‌بیند قابل فهم نباشد. تغییرات کالبدی چنانچه هماهنگ با تغییرات و رشد ذهنی استفاده‌کنندگان نباشد فهم و ادراک وقایع اطراف را با مشکل مواجه می‌سازد و در نتیجه انسان در محیط‌های آشنا نیز گم می‌شود. فرآیند تغییرات کالبدی بدون در نظر گرفتن ساکنین و افراد استفاده‌کننده از فضا امری بیهوده است. افراد با خاطرات فردی و جمعی و باتجربه‌های حسی مختلف از تغییرات به وجود آمده و با توجه به ویژگی‌های شخصی و بیولوژیکی خود الگوهای ذهنی و رفتاری متفاوتی را به وجود می‌آورند. از عوامل تأثیرگذار بر ارزیابی فرد از محیط علاوه بر ویژگی‌های فردی و خصوصیات کالبدی و اجتماعی می‌توان به اهمیت مکان برای فرد و میزان آشنایی وی با مکان اشاره کرد. تغییرات کالبدی ابتدا

توسط افراد دیده می‌شوند و مورد ارزیابی بصری قرار می‌گیرند. فرد در ارزیابی بصری، تغییرات جدید را با الگوهای ذهنی قدیمی خود مقایسه می‌کند و در پی یافتن مشترکات است. در مرحله دوم ارزیابی و تفسیر ذهنی در فرد صورت می‌گیرد. در این مرحله فرد شناختی را که انجام داده است مورد تحلیل و کدگذاری قرار می‌دهد و چنانچه برای هر تغییر جدید ما به ازای از گذشته در ذهن فرد وجود داشته باشد تغییر را می‌پذیرد و در غیر این صورت برای تغییر جدید با توجه به احساسات محیطی و درونی که به فرد منتقل می‌شود، تصمیم‌گیری انجام می‌دهد. در مرحله نهایی، تحلیل انجام‌شده در ذهن فرد به طرح‌واره‌های جدید ذهنی ختم می‌شود. هر مقدار این طرح‌واره‌های جدید از هویت تاریخی و قدیمی فضا فاصله گرفته باشند برای فرد این سنجش و کدگذاری دشوارتر است. این فرآیند (شکل ۲) در طول زمان تکرار می‌شود.



شکل شماره ۲. مدل مفهومی ارتباط میان حافظه تاریخی و تغییرات کالبدی

همان‌طور که محیط‌های شهری طی زمان تغییر می‌کنند، کاربری‌ها و کالبد محلات نیز دچار تغییرات می‌شوند و پروژه‌های شهری به‌مرور زمان اجرا شده و به مرحله استفاده می‌رسند. این فرآیند، در این یک بازه زمانی ۵ تا ۱۰ سال رخ می‌دهد که اگر طراحی شهری مناسب با زمان صورت نگرفته باشد؛ در زمان بهره‌برداری نیز با مشکل روبرو می‌شود. همچنین از آنجاکه تغییرات کالبدی اغلب تغییرات شدید شخصیتی و فرهنگی را موجب می‌شوند. هرگونه دخالتی در بافت کالبدی یک مکان عاملی است که تاریخ آن را به‌طور غیرقابل برگشتی تغییر می‌دهد. تغییرات کالبدی باید با توجه به ساختار فرهنگی اجتماعی صورت پذیرد. چراکه در غیر این صورت باعث اختلال در ریتم‌های موجود شهری خواهد شد و این امر موجب عدم استقبال قرار گرفتن از طرف شهروندان شده و نهایتاً قدرت تطبیق هویت با هویت تغییر یافته از دست می‌رود.

روش پژوهش

روش این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ گردآوری داده‌ها، توصیفی می‌باشد که به شکل میدانی صورت گرفته است. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، کلیه افراد عابر و کسبه در محدوده ۱۵ خرداد می‌باشند. برای تجزیه و تحلیل آماری یافته‌های پژوهش از آمار استنباطی (آزمون‌های آماری) و به جهت بررسی رابطه علی متغیرها و مدل‌سازی معادلات ساختاری از نرم‌افزار Amos Graphics 24 استفاده شده است. جامعه آماری در این مقاله راه، استفاده‌کنندگان از فضا و صاحبان مشاغل موجود در فضا و مکان‌ها تشکیل می‌دهند. با توجه به ناهمسانی گروه‌های استفاده‌کننده از فضا، شیوه نمونه‌گیری کیفی و ابزارهای اصلی پژوهش، پرسشنامه و مصاحبه در نظر گرفته شده است که به‌صورت هدفمند

تنظیم و تکمیل شده‌اند. در تعیین تعداد پرسشنامه‌های این پژوهش، با توجه به مشابهت روش معادلات ساختاری با تحقیقات همبستگی، می‌توان از اصول تعیین حجم نمونه در تحلیل‌های همبستگی استفاده کرد. از نظر دالور، در پژوهش‌هایی از نوع همبستگی، حداقل حجم نمونه ۵۰ نفر برای بیان چگونگی رابطه ضرورت دارد. (هومن، ۱۳۹۳: ۹۶). همچنین در معادلات ساختاری بر اساس میزان واریانس و کوواریانس متغیرهای مشاهده‌شده و تعداد متغیرهای مشاهده‌شده و پنهان روش‌های متفاوتی برای تعیین حجم نمونه وجود دارد. برخی نیز حداقل حجم نمونه لازم را ۲۰۰ در نظر می‌گیرند (حبیبی، ۱۳۹۶: ۱۱۷). در این پژوهش با توجه به تعداد متغیرهای مشاهده‌شده و پنهان و جلوگیری از خطاهای احتمالی در روند نمونه‌گیری، حجم نمونه ۲۰۰ در نظر گرفته شده است. پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ در نرم‌افزار SPSS21 بررسی شده است. در واقع این روش به بررسی همبستگی درونی سوالات می‌پردازد و میزان آن می‌باید بیش‌تر از ۰/۷ باشد، که در این صورت می‌توان گفت ابزار از پایایی بالایی برخوردار است (Carmines & Zeller, 1979:72) که ضریب یادشده برای پرسشنامه برابر با ۰/۹ به دست آمده است و بیانگر پایایی پرسشنامه‌ها بوده است همچنین، بهره‌گیری از مبانی نظری تحقیق و نیز نظر خبرگان و صاحب‌نظران ضامن روایی پرسشنامه است. به جهت تعیین اثرات تغییرات کالبدی در حافظه تاریخی مصاحبه‌های هدفمندی جهت واکاوی متغیرها انجام شد. با توجه به موضوع پژوهش و لزوم توجه به ارزیابی شهروندان از میزان تغییرات کالبدی و بررسی اثرات آن بر روی حافظه تاریخی شهروندان، تکنیک مصاحبه عمیق پیرامون ارزیابی شهروندان از تغییرات کالبدی در سه دسته کلی (تغییرات کالبدی ذهنی، تغییرات کالبدی عینی و تغییرات کالبدی حسی) و حافظه تاریخی صورت گرفت (جدول ۲). در پیاده‌سازی مصاحبه‌ها جهت تعیین شاخص‌های موردنظر برای استفاده در مطالعات کمی، نخست بخش‌هایی که حاوی ارزیابی شهروندان از تغییرات (کد ۱) و حاوی اثرات آن بر حافظه تاریخ (کد ۲) بوده است کدگذاری شده است.

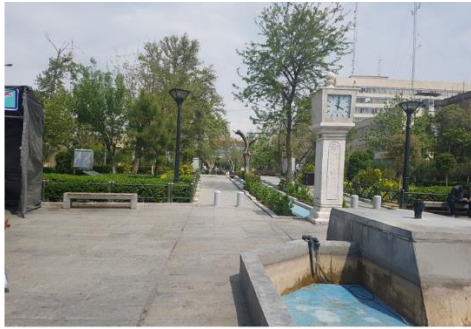
جدول شماره ۲. تعیین شاخص‌های پژوهش با مصاحبه‌های عمیق

مؤلفه	متن مصاحبه	مطابقت با مفاهیم شهرسازی	شاخص استخراجی
ذهنی	- دوره‌های تاریخی زیادی بر این محدوده گذشته و من نام برخی از این دوره‌ها را می‌دانم و به تاریخ و هویت آن دوره‌ها علاقه دارم. (کد ۲) - این مکان دارای روح خاص خود است (کد ۲) - این محدوده هویت تهران است (کد ۲)	روح مکان، حس مکان، حس زمان، طرح‌واره ذهنی، حفظ کالبد تاریخی، ارزیابی عاطفی	تصویر ذهنی، معنا، ازدحام، رویدادها، تجربیات این‌همانی، ماندگاری، تداوم، معنی‌دار بودن فرم و فضا
عینی	- تحولات خیابان ۱۵ خرداد را دوست دارم. (کد ۱) - کالبد این فضا برای من آشناست، در ایام محرم و اعیاد تمایل زیادی به حضور در این مکان دارم (کد ۱) - در برنامه‌های فرهنگی و تفریحی سبزه‌میدان شرکت می‌کنم. (کد ۲) - تردد در خیابان ۱۵ خرداد از ساعت ۸ شب به بعد برای زنان مناسب نیست. (کد ۱) - کثیفی معابر و وجود بزهکاران و متکدیان و افراد معتاد در این محور برای من استرس‌آور است (کد ۱) - با شلوغی روز و ازدحام آزارهای عینی و ذهنی زیادی در این محور شاهد بوده‌ام (کد ۱) - با دیدن برخی از معماری‌ها تکرار در معماری بازارهای دیگر برایم تداعی می‌شود (کد ۱) - راه‌های دسترسی به این محور آسان است (کد ۱) - این فضا برای من دارای اغتشاشات بصری و آلودگی‌های	برپایی مناسبت‌ها و مراسم ملی و مذهبی، گره‌های رفتاری، پاتوق‌های رفتاری، فرهنگ، قدمت، هویت کالبدی	دسترسی، تنوع، حرکت، گوناگونی، انعطاف‌پذیری، سرزندگی
		تمرکز بر عناصر مصنوع محیط	حواس، رنگ تعلق، حس تعلق،

حسی	شنیداری است (کد ۱)	مانند نور، رنگ، صدا و هماهنگ شدن با ریتم، درک طبیعی فصول	حس مکان، حس زمان، احساسات عاطفی
حافظه تاریخی	<ul style="list-style-type: none"> - تمامی حواسم در این محور تحریک می‌شود (کد ۱) - بوی خوش ادویه‌جات و اغذیه‌فروشی‌های این محور را دوست دارم (کد ۱) - عناصر طبیعی زیادی در این محور وجود ندارد. (کد ۱) - سرعت حرکت در همه ساعات در این محدوده یکسان نیست. به‌نحوی که حرکت افراد در این محدوده بر سرعت حرکت من تأثیر دارد. (کد ۱) - در سبزه‌میدان مراسم تفریح در ۸ سالگی من اجرا می‌شد و همچنین بعد از گذشت ۶۰ سال در سال ۹۷ باز مراسم تفریح‌خوانی را در این میدان دیدم. (کد ۲) - من همیشه رأس ساعت ۸ در مغازه هستم و تا ۴ بعدازظهر احساس خستگی ندارم و راحت به کارم مشغول هستم و گذر زمان را احساس نمی‌کنم. (کد ۲) 	<ul style="list-style-type: none"> چرخه‌های طبیعی و مصنوعی بدن، ساعت روزانه بازه زمانی، توجه به زمان، چرخه زمانی، حافظه جمعی و فردی، هویت، رفتار 	

در برداشت‌های میدانی اغلب، تمایل کسبه به سمت خرید یا اجاره واحد تجاری به جهت دیده شدن در جداره خیابان ۱۵ خرداد به وجود آمده است که این امر ضمن همراه داشتن تغییرات کالبدی-ذهنی؛ دو پدیده مهم را به همراه دارد. اولاً تخریب تک بناها و ساخت پاساژهای بزرگ که با هویت تاریخی و ساختمان‌های ۲ طبقه محدوده سنجیتی ندارند؛ دوم خالی و رها شدن مغازه‌ها در بافت داخلی بازار، که به ایجاد فضاها و راسته‌های متروکه و رها شده می‌انجامد و به فرسودگی بافت دامن می‌زنند. همچنین، در محور ۱۵ خرداد با توجه به تغییرات کالبدی، سرعت حرکت در دو سمت خیابان (قسمت شمال و جنوبی) بسیار متفاوت است و به همین علت ادراک زمان در دو طرف خیابان متفاوت است. بدین منظور، برای بررسی تغییرات کالبدی حسی، در مصاحبه‌های انجام‌شده از افراد خواسته شد به‌طور تقریبی طول خیابان و مدت‌زمان حرکت از خیابان ناصرخسرو تا مترو ۱۵ خرداد را تخمین بزنند. افراد در جنوب خیابان این مقدار را ۲۰ متر و زمان ۵ دقیقه را تخمین می‌زدند درحالی‌که، افراد در ضلع شمالی خیابان این مدت را ۱۰ متر و ۵ دقیقه تخمین می‌زدند. یکی از دلایل مهم در سرعت حرکت، مقصد افراد می‌باشد. در ضلع جنوبی خیابان اغلب افراد به دلیل خرید و تفریح قدم می‌زنند و وجود افراد دست‌فروش و مبللمان شهری برای نشستن ارزیابی از زمان را کوتاه می‌کند، اما در ضلع شمالی خیابان به علت قرارگیری دادگاه انقلاب و بانک ملی و خلوتی مسیر اغلب مقصد افراد انجام کار اداری است و با سرعت‌بالا حرکت می‌کنند و تخمین بهتر و دقیق‌تری از طول مسیر و مدت‌زمان رسیدن به مقصد دارند.

در محور ۱۵ خرداد پارک کوچکی قرار دارد که دارای درختان و مبللمان شهری مناسب است اما در زمان‌های مختلف مورد استقبال قرار نمی‌گیرد. در مقابل پارک، پاساژ رضا و چند رستوران و اغذیه‌فروشی قرار دارد که باوجود تردد بسیار بالا عابران، دست‌فروشان و متکدیان، وجود کارگاه ساختمانی و کارگران مشغول کار، آلودگی‌های محیطی و بوی نامطبوع در مسیر؛ افراد تمایل به استفاده از این سمت خیابان دارند. در مصاحبه‌ها انجام‌شده، علت ترجیح دادن این سمت خیابان به پارک روبرو پرسیده شد. تعداد زیادی از وجود پارک بی‌اطلاع بودند، تعدادی حضور همه مردم و پیروی از مردم را دلیل ترجیح دادن این مکان می‌دانستند و تعداد اندکی حضور افراد بزهکار را دلیل استفاده نکردن از پارک بیان می‌نمودند (شکل ۳).



سمت شمال خیابان ۱۵ خرداد، زمستان ۱۳۹۷
ساعت ۱۶، برداشت میدانی



سمت جنوب خیابان ۱۵ خرداد، زمستان ۱۳۹۷
ساعت ۱۶، برداشت میدانی

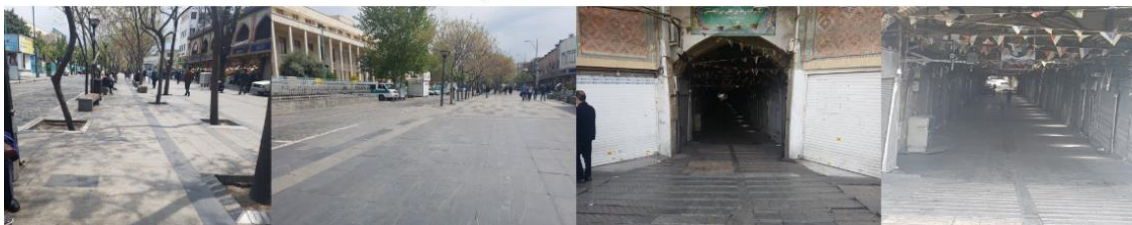
شکل شماره ۳. عدم استقبال از تغییرات کالبدی (تجهیز پارک)، محور ۱۵ خرداد

مکث و توقف در خیابان‌ها و فضاهای شهری که با تغییر هویت مکانی و حسی خیابان درگذر، از سکانسی به سکانس دیگری است، ناشی از سرعت حرکت در طول خیابان یا محور آشکار می‌شود. دو عامل سرعت عابران و خلوتی و شلوغی مسیر در تعداد توقف و مکث در محور ۱۵ خرداد تأثیرگذار است. هر مقدار مسیر خلوت‌تر باشد فرد زاویه دید گسترده‌تری دارد و ارزیابی از زمان را کوتاه‌تر انجام می‌دهد و در مقابل هر مقدار مسیر دارای ازدحام و شلوغی باشد ارزیابی فرد از مسیر و زمان طولانی‌تر است. (شکل ۴)

الف



ب



شکل شماره ۴. مکث‌ها و توقف‌های ایجادشده حدفاصل مترو پانزده خرداد تا سبزه میدان

الف: وسط هفته، ساعت ۱۳، زمستان ۱۳۹۷، برداشت میدانی

ب: یک روز تعطیل، ساعت ۱۳، زمستان ۱۳۹۷، برداشت میدانی

محدوده مورد مطالعه

بازار مهم‌ترین محور ارتباطی و فضای شهری در شهرهای ایرانی در گذشته به شمار می‌آمده است. بازارهای اصلی و دائمی در هر شهر به‌طور معمول در امتداد مهم‌ترین راه محوری شهری که از یک دروازه شروع می‌شد و تا مرکز شهر ادامه می‌یافت، شکل می‌گرفت. محور تاریخی ۱۵ خرداد یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین فضاهای اقتصادی-اجتماعی تهران است که دو خیابان خیام و مصطفی خمینی را به یکدیگر متصل می‌کند. طول کل مسیر ۳۵۰ متر و عرض آن حدود ۲۵ متر می‌باشد که ۵ متر آن به پیاده راه، ۴ متر مسیر عبور کالسکه، ۲ متر مسیر عبور دوچرخه و ۱۳ متر جنوبی نیز مجدداً مسیر پیاده می‌باشد. عناصر برجسته‌ای چون کاخ گلستان، بانک ملی و دادگستری و در ضلع جنوبی بازار رضا، سبزه میدان و ورودی‌های متعدد به بازار قرار گرفته است (مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۹۲: ۲۶). به علت

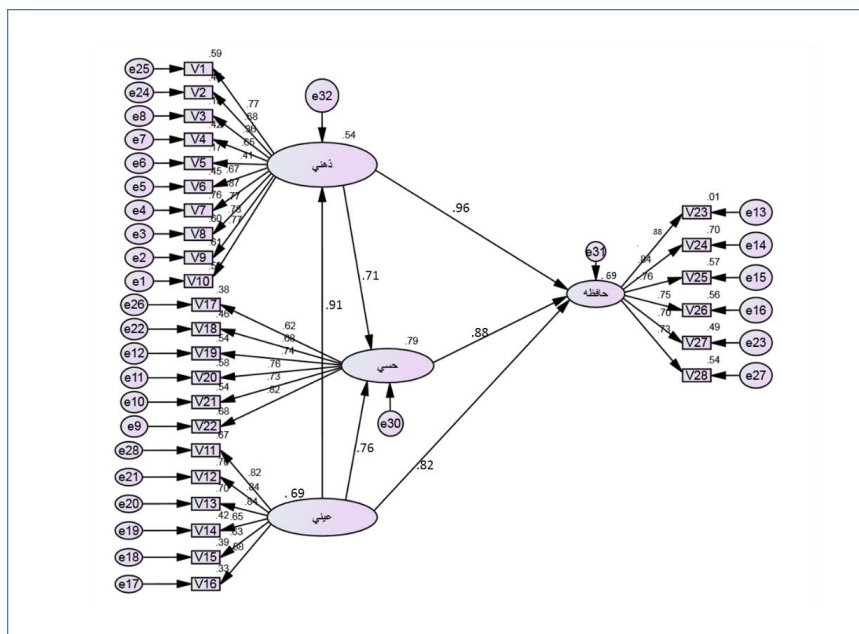
گسترده بودن محور مورد مطالعات سه مکان (مترو ۱۵ خرداد، حدفاصل خیابان ناصرخسرو و پامنار و چهارراه سیروس) جهت تهیه پرسشنامه‌ها و مصاحبه‌ها در نظر گرفته شده است (نقشه ۵). توجه به محور ۱۵ خرداد به دلیل اتصال دو خیابان مهم در منطقه بازار از دید اقتصادی و به علت طراحی خیابان از دوره صفویه، از منظر تاریخی حائز اهمیت است. سرعت تغییرات کالبدی بازار در این محور بیشتر از سراها و دالان‌های داخلی بوده است، به نحوی که بافت درونی بازار هویت تاریخی خود را حفظ کرده است اما بدنه بازار بخصوص جداره خیابان ۱۵ خرداد با سرعت دچار تغییر و تحولات کالبدی شده است تا حدی که اثری از محله قدیمی بازار در این محور وجود ندارد. اغلب تغییرات در راستای تغییر کاربری مسکونی به تجاری و تصمیمات با بعد حمل‌ونقلی در این محور رخ داده است. گروه‌های مختلف ساکن در این محدوده به‌ویژه خانواده‌های پردرآمدتر، مرکز شهر را به‌منظور سکونت در مناطق دیگر ترک کرده‌اند و مهاجران و خانواده‌های کم‌درآمد جایگزین بخشی از این خانوارها شده‌اند. اطلاعات موجود نشان می‌دهد که محدوده شمالی بازار تهران (حدفاصل خیابان امام خمینی و ۱۵ خرداد) که املاک مسکونی وسیع‌تر و بخشی از اقشار پردرآمدتر بازاریان را در خود جای داده بود در سال‌های پس از انقلاب با جابجایی گسترده جمعیت و در برخی محلات با کاهش شدید جمعیت مواجه شده‌اند. تغییرات کالبدی سال‌های ۷۰ تا ۸۰ با تفکر جلوگیری از آلودگی هوا، بیشترین تغییرات را بر این محور ایجاد کرده است. احداث ایستگاه مترو در تقاطع خیابان ۱۵ خرداد و خیام، اعمال محدوده ترافیک، ممنوعیت حرکت خودرو، سنگفرش شدن بخشی از محور و ساخت پاساژهای چندطبقه در این دوره نمونه‌هایی از تغییرات کالبدی مهم در این محور می‌باشند



شکل شماره ۵. محور ۱۵ خرداد و ۳ مکان تهیه پرسشنامه و انجام مصاحبه‌ها

بحث و یافته‌ها

مدل‌سازی معادلات ساختاری از دو بخش مهم تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل مسیر تشکیل شده است. تدوین مدل، اولین و مهم‌ترین مرحله در استفاده از برنامه‌های مدل‌سازی ساختاری است. در این پژوهش متغیرهای تأثیرگذار بر حافظه تاریخی شهروندان مورد واکاوی و کنکاش قرار گرفت، لذا مدل تجربی بعد از گردآوری داده‌ها طراحی گردیده است. در این پژوهش تحلیل عاملی تأییدی بر روی ۲۸ شاخص استخراج شده از مطالعات نظری و مدل مفهومی با استفاده از تحلیل مسیر، در مورد عامل‌های شناخته شده صورت گرفته است. این تحلیل توسط مدل معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزار آماری Amos (شکل ۶) انجام شده است.



شکل شماره ۶. مدل مفهومی و بارهای عاملی پژوهش در حالت استاندارد

پژوهشگران معمولاً به منظور ارزیابی برازش در معادلات ساختاری، از شاخص‌های مختلفی استفاده می‌کنند که در این زمینه RMSEA (ریشه متوسط مربع خطای تقریبی) از جمله شاخص‌های مهم است که در بهترین حالت باید کمتر از ۰,۰۵ باشد، اما بر اساس مطالعات تجربی، میزان کمتر از ۰/۰۸ نیز قابل قبول می‌باشد. شاخص دیگری که برای ارزیابی برازش مورد استفاده قرار می‌گیرد، Chi-square است. این شاخص برای شناسایی انطباق مدل مفهومی با داده‌های تجربی است. مقدار این آماره با افزایش اندازه نمونه و افزایش تعداد متغیرهای مشاهده‌پذیر، افزایش می‌یابد. درجه آزادی نیز، به تعداد اطلاعات موجود برای تخمین توزیع نمونه‌گیری داده‌ها پس از تخمین تمامی پارامترهای مدل، اطلاق می‌شود. پژوهشگر تلاش دارد، درحالی‌که به یک مدل با بهترین برازش دست یابد، درجه آزادی را بیشینه نماید (ابارشی و حسینی، ۱۳۹۱:۸۱). جدول ۳ نتایج مناسب آزمون‌های برازش مدل را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج جدول ۳ می‌توان نتیجه گرفت که الگوهای اندازه‌گیری از برازش خوبی برخوردارند، به عبارتی شاخص‌های کلی این مورد را تأیید می‌کنند که داده‌ها به خوبی از الگوها حمایت می‌کنند

جدول شماره ۳. شاخص‌های برازش

نام آزمون	توضیحات	مقادیر قابل قبول	مقدار به دست آمده	نتیجه
CMIN/DF	کای اسکور نسبی	< ۳	۲/۶۸۰	تأیید مدل
RMSEA	ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب	< /۱	۰/۰۶۲	تأیید مدل
GFI	شاخص برازندگی تعدیل یافته	> /۹	۰/۹۱	تأیید مدل
NFI	شاخص برازش نرم	> /۹	۰/۹۶۵	تأیید مدل
CFI	شاخص برازش مقایسه‌ای	> /۹	۰/۹۴۵	تأیید مدل

پس از بررسی و تأیید الگو، برای آزمون معناداری فرضیه‌ها از دو شاخص جزئی مقدار بحرانی CR و P استفاده شده است. مقدار بحرانی مقداری است که از حاصل تقسیم تخمین وزن رگرسیونی بر خطای استاندارد به دست می‌آید. بر اساس سطح معنی‌داری ۰/۰۵ مقدار بحرانی باید بیشتر از ۱/۹۶ باشد. کمتر از این مقدار، پارامتر مربوط در الگو، مهم شمرده

نمی‌شود. همچنین مقادیر کوچک‌تر از ۰/۰۵ برای مقدار P حاکی از تفاوت معنادار مقدار محاسبه‌شده برای وزن‌های رگرسیونی با مقدار صفر در سطح اطمینان ۰/۹۵ دارد. فرضیه‌ها به همراه ضرایب رگرسیونی و مقادیر شاخص‌ها جزئی مربوط به هر فرضیه در جدول ۴ آورده شده است.

جدول شماره ۴. وزن‌های رگرسیونی (ضرایب تأثیر) به روش برآورد حداکثر درست نمایی

نتیجه	P	C.R.	S.E.	Estimate	مسیر
تأیید شده	***	۷/۹۶۹	۰/۱۱۲	۰/۸۹۵	ذهنی <---
تأیید شده	***	۱۱/۹۱۱	۰/۱۰۸	۱/۲۸۱	ذهنی <---
تأیید شده	***	۳/۱۰۵	۰/۱۱۲	۰/۳۴۹	ذهنی <---
تأیید شده	***	۸/۵۴۸	۰/۱۰۸	۰/۹۲۲	ذهنی <---
تأیید شده	***	۶/۵۶۷	۰/۱۱۸	۰/۷۷۵	ذهنی <---
تأیید شده	***	۱۱/۳۴۰	۰/۰۹۳	۱/۰۴۲	ذهنی <---
تأیید شده	***	۹/۳۵۶	۰/۱۲۸	۱/۱۹۷	ذهنی <---
				۱/۰۰۰	ذهنی <---
تأیید شده	***	۶/۸۷۰	۰/۱۴۴	۰/۹۳۳	ذهنی <---
تأیید شده	***	۱۰/۱۶۱	۰/۱۵۴	۱/۵۶۸	ذهنی <---
تأیید شده	***	۸/۱۸۸	۰/۱۵۹	۱/۳۰۲	عینی <---
تأیید شده	***	۸/۱۵۴	۰/۱۷۰	۱/۳۸۳	عینی <---
تأیید شده	***	۸/۱۱۷	۰/۱۵۷	۱/۲۷۸	عینی <---
				۱/۰۰۰	عینی <---
تأیید شده	***	۱۱/۲۷۶	۰/۰۹۹	۱/۱۲۱	عینی <---
تأیید شده	***	۷/۳۳۸	۰/۱۱۲	۰/۸۲۰	عینی <---
تأیید شده	***	۱۰/۴۱۴	۰/۱۱۳	۱/۱۸۲	حسی <---
تأیید شده	***	۹/۸۳۷	۰/۰۹۸	۰/۹۶۱	حسی <---
تأیید شده	***	۸/۱۸۳	۰/۱۱۶	۰/۹۴۹	حسی <---
				۱/۰۰۰	حسی <---
تأیید شده	***	۱۰/۶۱۰	۰/۰۸۹	۰/۹۴۷	حسی <---
تأیید شده	***	۱۱/۵۷۲	۰/۰۷۹	۰/۹۱۷	حسی <---
تأیید شده	***	۳/۱۰۵	۰/۱۱۲	۰/۳۴۹	حافظه <---
تأیید شده	***	۱۱/۳۴۶	۰/۰۷۷	۰/۸۷۲	حافظه <---
تأیید شده	***	۵/۹۸۸	۰/۱۴۹	۰/۸۹۱	حافظه <---
تأیید شده	***	۸/۰۹۱	۰/۱۱۴	۰/۹۲۲	حافظه <---
تأیید شده	***	۸/۹۹۱	۰/۱۳۱	۱/۱۷۷	حافظه <---
تأیید شده				۱/۰۰۰	حافظه <---

جدول ۵ ضرایب استاندارد هر عامل را نمایش می‌دهد. شاخص «خاطره‌انگیزی» از بین ۱۰ گویه مورد مطالعه در تغییرات کالبدی-ذهنی، با ۸۸ درصد تغییرات بیشترین وزن را به خود اختصاص داده است. تغییرات کالبدی-عینی با ۶ گویه مورد بررسی قرار گرفت و شاخص «تنوع» با وزن ۸۴ درصد بیشترین اثرگذاری را بر این نوع تغییرات داشته و متغیر «احساسات عاطفی» با وزن ۸۲ درصد در مؤلفه تغییرات کالبدی-حسی بیشترین اثرگذاری را داشته است. در حافظه تاریخی که با ۶ گویه مورد بررسی قرار گرفته، بیشترین اثرگذاری و وزن متعلق به «حافظه فردی و جمعی» با ۸۸ درصد می‌باشد.

جدول ۵. ضرایب استاندارد وزنی هر متغیر

مؤلفه موردبررسی	Estimate		
حافظه جمعی و فردی	۰/۸۸۱	حافظه	<---
خاطره‌انگیزی	۰/۸۸۰	ذهنی	<---
رویدادها	۰/۸۷۲	ذهنی	<---
ماندگاری	۰/۸۶۶	ذهنی	<---
تنوع	۰/۸۴۹	عینی	<---
توجه به زمان	۰/۸۴۹	حافظه	<---
حرکت	۰/۸۴۷	عینی	<---
دسترسی	۰/۸۲۳	عینی	<---
احساسات عاطفی	۰/۸۲۰	حسی	<---
تصویر ذهنی	۰/۷۷۹	ذهنی	<---
این‌همانی	۰/۷۷۲	ذهنی	<---
چرخه زمانی	۰/۷۶۹	حافظه	<---
حس مکان	۰/۷۶۳	حسی	<---
بازه زمانی	۰/۷۵۹	حافظه	<---
حس تعلق	۰/۷۴۷	حسی	<---
حس زمان	۰/۷۳۹	حسی	<---
رفتار	۰/۷۳۰	حافظه	<---
هویت	۰/۷۰۵	حافظه	<---
رنگ تعلق	۰/۶۸۹	حسی	<---
معنا	۰/۶۸۴	ذهنی	<---
تداوم	۰/۶۸۳	ذهنی	<---
سرزندگی	۰/۶۸۳	عینی	<---
تجربیات	۰/۶۸۱	ذهنی	<---
معنی‌دار بودن فرم و فضا	۰/۶۵۳	ذهنی	<---
انعطاف‌پذیر	۰/۶۵۱	عینی	<---
گوناگونی	۰/۶۳۶	عینی	<---
حواس	۰/۶۲۶	حسی	<---
ازدحام	۰/۵۷۰	ذهنی	<---

همچنین برای بیان معناداری رابطه اثرگذاری میان مؤلفه‌ها، میزان رابطه همبستگی بین عوامل محاسبه شد. نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد، بین مؤلفه‌های تغییرات کالبدی عینی و ذهنی و حسی با مؤلفه حافظه رابطه متقابل و دوسویه برقرار است، اما وزن هر یک از مؤلفه‌ها متفاوت است. مؤلفه تغییرات کالبدی عینی و حسی رابطه همبستگی شدیدتری نسبت به تغییرات کالبدی عینی و ذهنی دارند. میزان ضریب به‌دست‌آمده بیانگر اثر مستقیم شاخص‌های به میزان ۰/۹۸ است. به عبارت دقیق‌تر ۹۸ درصد از تغییرات متغیر تغییرات کالبدی عینی، توسط مجموعه‌ای از شاخص‌های تغییرات کالبدی حسی و ۸۶ درصد از تغییرات متغیر تغییرات کالبدی عینی، توسط مجموعه‌ای از شاخص‌های تغییرات کالبدی ذهنی پوشش داده می‌شوند. با توجه به این که مقدار بین (0-0.3) تأثیرگذاری ضعیف، مقدار بین (0.3-0.6) تأثیرگذاری متوسط و مقدار (0.6-0.9) تأثیرگذاری قوی را نشان می‌دهد و با توجه به نتایج جدول ۷، میزان تأثیرگذاری سه مؤلفه مثبت است و با توجه به مقدار p ، اثرگذاری مؤلفه‌های مشخص شده با توجه به مسیرهای مربوطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار می‌باشد

جدول شماره ۶. میزان رابطه همبستگی بین عوامل

نتیجه	میزان تأثیرگذاری	P	C.R.	S.E.	Estimate
رابطه معناداری برقرار است	تأثیرگذاری قوی و مثبت	***	۶/۳۳۵	۰/۱۵۲	۰/۹۶۳
رابطه معناداری برقرار است	تأثیرگذاری قوی و مثبت	***	۶/۰۳۹	۰/۱۵۱	۰/۹۱۲
رابطه معناداری برقرار است	تأثیرگذاری متوسط و مثبت	***	۵/۲۰۵	۰/۱۷۰	۰/۸۸۵
رابطه معناداری برقرار است	تأثیرگذاری متوسط و مثبت	***	۶/۰۱۴	۰/۱۳۷	۰/۸۲۴
رابطه معناداری برقرار است	تأثیرگذاری متوسط و مثبت	***	۶/۵۳۳	۰/۱۱۸	۰/۷۷۱
رابطه معناداری برقرار است	تأثیرگذاری قوی و مثبت	***	۴/۶۷۶	۰/۱۶۴	۰/۷۶۷

نتیجه گیری

در تهران فضاها و مکان‌های شهری متعددی با سو مدیریت شهری و عدم توجه به ادراک و تصورات شهروندان در بستر زمان دچار تحولاتی شده است که بعضاً مشکلات اجتماعی و روحی و روانی را به همراه داشته است. بافت قدیمی تهران در حال حاضر تبدیل به فضای شهری است که فاقد حافظه زمانی مشترک بین شهروندان و ساکنین است و در دوره‌های تاریخی تغییرات زیادی داشته است که بدون توجه به ادراکات و تصورات ذهنی شهروندان بوده است و این امر باعث کاهش کیفیت محیطی این منطقه از نقطه نظر ادراکی شده است. شکل‌گیری و تکامل بازار، خود تابعی از تغییر و تحولات بسیار در زمینه‌های گوناگون در یک دوره طولانی در روند شکل‌گیری شهر تهران بوده است. بنابراین هسته‌های کالبدی بازار، هریک متعلق به دوره‌های از شکل‌گیری شهر بوده‌اند و از اصول و قواعد جاری در شهر آن دوره پیروی می‌کنند. در این پژوهش تغییرات کالبدی محور ۱۵ خرداد با سه عامل (تغییرات عینی، ذهنی، حسی) مورد تحلیل قرار گرفت. شاخصه‌هایی برای اندازه‌گیری متغیرهای مکنون معرفی شد. بر اساس پژوهش صورت گرفته، اثرگذاری تغییرات کالبدی - ذهنی بر حافظه با مقدار ۹۶٪ رابطه مستقیم دارد. بافت تاریخی بازار باگذشت زمان دستخوش تحولات زیادی به لحاظ کالبدی و معنایی شده است که این تحولات سبب خاطره‌زدایی از محلات تاریخی گردیده است. به‌نوعی افراد در این مکان احساس تعلق به زمان خاص و یا حسی که نشأت گرفته از زمان باشد را تجربه نمی‌کنند. بسیاری از نقاط محدوده مورد مطالعه تغییر کرده و دیگر شباهتی با گذشته خود ندارند. برخی از مکان‌های قدیمی و به نام این منطقه که در دوره تاریخی خود دارای هویت و ادراکات محیطی خاصی بودند و میانجیگری برای ذهن و ادراک محیط بودند، در حال حاضر از ذهن‌ها پاک شده است و اغلب گروه‌های سنی نوجوان با آن آشنایی کافی ندارند. محدوده مورد مطالعه شاید برای ساکنان تهران هویت‌بخش باشد و بازسازی‌ها و مرمت‌های جدید باعث تقویت هویت کالبدی و اجتماعی محدوده در جدارها شده باشد؛ اما درواقع این محدوده برای ساکنین باسابقه سکونت بالای ۲۰ سال دارای هویت کالبدی نیست. تغییرات کالبدی اساسی در بافت محلات باعث شده، خاطرات به‌مرور از یادرفته و برای ساکنان محله فاصله زمانی زیادی بین زمان گذشته و هویت بافت با زمان حال به وجود آید. به‌نوعی تفکر برتری خیابان به بافت محلی و بازار که از دوران پهلوی رشد کرده است، همچنان در طراحی جداره و بافت داخلی بازار مشهود است. جهت اصلاح و بهبود شرایط پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- ❖ طراحی مسیر مناسب و خوانا کردن مسیر به سمت مکان‌های تاریخی (بقاع، مساجد، مدارس) با استفاده از نمادهای سنتی؛
- ❖ کمرنگ کردن نقش کاربری‌های خدماتی مانند (آشپزخانه‌ها و فوت کوردها و...) افزایش این نوع کاربری‌ها در انتقال معنای اصلی فضا نه تنها کمکی نمی‌کند، بلکه در صورت روند رو به رشد این پدیده باعث از بین رفتن هویت و معنای اصلی محیط می‌شود؛
- ❖ برگزاری مناسبت‌های ملی (چهارشنبه‌سوری، لحظه تحویل سال) با همان کیفیت تاریخی؛

- ❖ مناسب‌سازی گذرهای داخلی بازار و پاک‌سازی از وجود افراد بزهکار و معتادین و متکدیان؛
- ❖ در نظر گرفتن نشانه‌های شهری و تاریخی از تهران قدیم؛
- ❖ حفظ انسجام ساختاری و خط آسمان محدوده تهران تاریخی و سیمای منحصربه‌فرد؛
- ❖ بازسازی خانه‌ها و عمارت‌های قدیمی جهت اسکان و تشویق سکونت در بافت؛
- ❖ وجود ثبات نسبی در عین تغییرات در طراحی محور.

منابع

- (۱) ابارشی، حسینی (۱۳۹۱) مدل‌سازی معادلات ساختاری. چاپ اول، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- (۲) پندار، هادی و کامران ذکاوت (۱۳۹۵) فرآیند ارزیابی عاطفی سرعت تغییرات کالبدی در محیط مسکونی از نگاه کاربران و بر اساس معیار رضایت‌مندی مطالعه موردی: محله نیاوران، فصلنامه مطالعات شهری، دوره ۴، شماره ۱۷، صص. ۲۸-۱۵.
- (۳) حبیبی، آرش (۱۳۹۶) مدل‌یابی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی، چاپ اول، تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
- (۴) حسینی‌میان‌رودی، نسیم؛ ماجدی، حمید؛ سعیده زرآبادی، زهرا سادات؛ زیاری، یوسفعلی (۱۳۹۶) واکاوی مفهوم خاطره جمعی و بازیابی آن در فضاهای شهری با رویکرد نشانه‌شناسی، مجله پژوهش‌کنده هنر، دوره ۱۴، شماره ۵۶، صص. ۳۲-۱۷.
- (۵) سجاد زاده، حسن و اریس، بهاره (۱۳۹۶) بررسی تولید معنا در فضای شهری بر مبنای تئوری ساخت‌یابی (مطالعه موردی: بازار تبریز)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۹، شماره ۲، صص. ۲۸۷-۲۷۳.
- (۶) سلطانی، لیلیا (۱۳۹۷) واکاوی بعد تاریخی مکان در ضرب‌آهنگ اجتماعی فضای جمعی، فصلنامه هنر و تمدن شرق، پاییز ۱۳۹۷، دوره ۶، شماره ۲۱، صص. ۵۶-۴۷.
- (۷) سلیمانی، محمد؛ زنگنه، احمد؛ پریزادی، طاهر؛ سلحشور، یاسمن (۱۳۹۸) بازارهای فراشهری و تغییرات کالبدی محله‌های پیرامون (مطالعه موردی: بازارهای فراشهری مبل یافت‌آباد، کیف و کفش امین‌الملک و آلومینیوم قلعه مرغی)، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، بهار ۱۳۹۸، دوره ۵۱، شماره ۱، صص. ۷۷-۵۷.
- (۸) سوری، الهام؛ رزاقی اصل، سینا؛ فیضی، محسن (۱۳۹۲) مفهوم حس زمان و کاربرد آن در طراحی شهری، نشریه هویت شهر، بهار ۱۳۹۲، دوره ۷، شماره ۱۳، صص. ۸۲-۷۳.
- (۹) صافیان، محمدجواد (۱۳۹۱) بنیان‌گذار تاریخ تأملی بر نسبت هنر و تاریخ، ماهنامه الکترونیکی فرهنگی تحلیلی سوره اندیشه، شهریور ۱۳۹۲، شماره ۶۲-۶۱، صص. ۲۱۱-۲۰۹.
- (۱۰) کریمی یزدی، اعظم؛ براتی ناصر؛ زراعی، مجید (۱۳۹۵) ارزیابی تطبیقی ادراک فضای شهری از نظر گاه مخاطبین و متخصصین عرصه شهری (مطالعه موردی مجموعه شهری امامزاده صالح تجریش تهران)، فصلنامه باغ نظر، اسفند ۱۳۹۵، دوره ۱۳، شماره ۴۵، صص. ۲۶-۱۳.
- (۱۱) لینچ، کوین (۱۳۷۶) تئوری شکل خوب شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- (۱۲) مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران (۱۳۹۱) ارزیابی پیاده راه بازار تهران، معاونت مطالعات و برنامه‌ریزی امور زیرساخت و طرح جامع، تهران.
- (۱۳) منتظری، مرجان؛ جهان‌شاهلو، لعل؛ ماجدی، حمید (۱۳۹۶) تحولات ساختار کالبدی-فضایی شهر یزد و عوامل مؤثر بر آن، نشریه مطالعات محیطی هفت حصار، پاییز ۱۳۹۶، دوره ۶، شماره ۲۱، صص. ۴۲-۲۷.
- (۱۴) منصوری، سید تاج‌الدین و جهان‌بخش، حمید (۱۳۹۲) چگونگی ارتقای کالبد و منظر شهری از طریق احیای ارزش‌های فرهنگی-تاریخی شهر، فصلنامه برنامه‌ریزی کالبدی-فضایی، تابستان ۱۳۹۲، دوره ۱، شماره ۳، صص. ۱۰۲-۸۹.
- (۱۵) ناظمی، الهام (۱۳۹۵) مفاهیم مرتبط با فضای شهری، اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد.
- (۱۶) همدانی گلشن، حامد (۱۳۹۵) وجوه شکل شهر، مجله منظر، بهار ۱۳۹۵، شماره ۳۴، صص. ۱۴۹-۱۴۲.
- (۱۷) هومن، حیدر علی (۱۳۹۳) مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم

انسانی دانشگاهها (سمت).

- 18) Abd Elrahman, Ahmed S. & Randa A. Mahmoud. (2016) The post-revolutionary effect on the urban harmony of Cairo's built environment in relation to the collective memory of the population, *Ain Shams Engineering Journal*, Vol.7, No.4, pp.1099-1106.
- 19) Carmines, Edward G. & Zeller, Richard A. (1979) *Reliability and Validity Assessment*. Sage University Paper Series on Quantitative Application in the Social Sciences, Beverly Hills.
- 20) Carmona, Matthew. (2006) *Public Places*, Architectural Press, Elsevier, Oxford.97
- 21) Conzen, Michael. (1960). *Alnwick, Northumberland: a study in town plan analysis*, Institute of British Geographers Publication 27, London, George Philip.
- 22) Lewicka, Maria. (2011) On the varieties of people's relationships with Places: hummon's typology revisited, *Environment and Behavior*, Vol.43, No.5, pp.676-709.
- 23) McCarthy, kiran (2012) *Broken Memories or Shards of the Past? Ruins and Identity in an Irish Pilgrimage Site*, The online postgraduate journal of the College of Arts, Celtic Studies and Social Sciences:22-38.
- 24) Nasar, jackl. (1994) *urban design aesthetics: the evaluative quantities of building exteriors* *Environment and Behavior*, Vol.26, No.3, pp.377-401.
- 25) Pollock, Naomi B.F. (2013) *Contextual Adaptation. Human Functioning as Dynamic Interaction: A: Social Work (DSW) Dissertations*.
- 26) Proshansky, HM. & Fabian, AK. & Kaminoff, R. (1983) *Place-identity: Physical world socialization of the self*, *Journal of Environmental Psychology*, Vol.6, No.3, pp.57-83.
- 27) Russell, A. & Ulrich, FU. (1984) *Adaptation level and affective appraisal of environments*.
- 28) Shakibamanesh, Amir, Ghorbanian. Mahshid (2017) *Toward time-based design: Creating an applied time evaluation checklist for urban design research*, *Frontiers of Architectural Research*, Vol.6, No.3, pp.290-307.